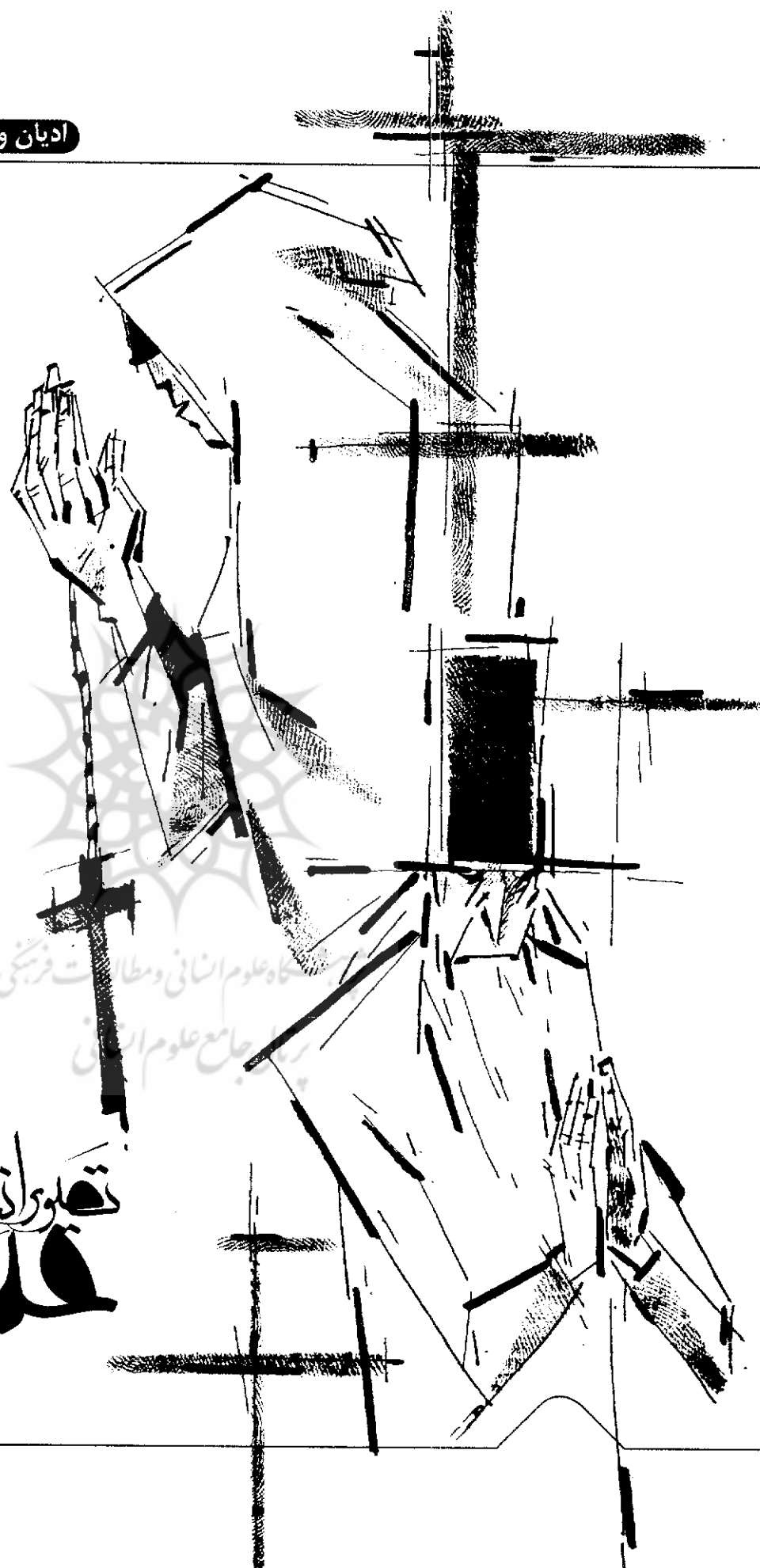


ادیان و مذاہب



پیشہ ورانہ تعلیمات فرہنگی
پریس جامع علوم انسانی

تعمیرات عقائد در فلسفہ

مہراب صادق نیا

گروه ادیان و مذاهب

مقدمه

این طرح دربردارنده برنامه جامع (درازمدت و فراگیر) پژوهش در موضوع موعودباوری در ادیان زنده جهان (مذاهب اسلامی^۱، مسیحیت، یهودیت، ادیان هند، آیین زرتشتی، ادیان خاور دور و بودایی و ادیان آفریقا و امریکای مرکزی) است. این برنامه، علاوه بر مباحث ادیانی، به موضوعات بین‌الادیانی و بین‌رشته‌ای نیز خواهد پرداخت. گذشته از ادیان نهادینه جهان، این برنامه به موضوع موعودباوری و منجی‌گرایی در نهضت‌های جدید دینی (ادیان جدید) و مذاهب و فرقه‌های انحرافی نیز می‌پردازد. به این ترتیب، عرصه و حیطه پژوهش‌ها و مطالعات گروه موعود در ادیان عبارت است از:

۱. ابعاد مختلف موعودباوری و اندیشه نجات موعود در مذاهب و ادیان زنده و تاریخی؛
۲. ابعاد مختلف موعودباوری و اندیشه منجی و نجات موعود در ادیان و نهضت‌های جدید دینی؛

۳. موضوعات بین‌الادیانی در خصوص موعودباوری و اندیشه منجی موعود؛

۴. موضوعات بین‌رشته‌ای مربوط به اندیشه نجات و منجی موعود؛

۵. موعود باوری در مذاهب و فرقه‌های منشعب تشیع و اسلام.

تذکر: موضوعات و محورهای بند پنجم به طور جداگانه ارائه خواهد شد.

اهداف

۱. هدف‌های آرمانی:

الف) اثبات این حقیقت مهم که اندیشه منجی موعود در کلیت خود اندیشه‌ای جهان‌شمول و فراگیر است. این

چکیده:

آیین عیسوی مذهبی است که بر اساس انتظاری دیرپا و مؤکد در ملت یهود شکل گرفت. شماری از یهودیان که در آموزش‌های انبیای خود به صورت دم‌افزونی به ماسیح وعده داده شده بودند با آمدن عیسی گرد او جمع شدند و پایه‌ریز دیانت تازه‌ای شدند که پرشتا در مسیر عالمگیر شدن حرکت کرد. اما با پایان حیات زمینی عیسی این انتظار به شکل تازه‌ای درآمد و آن عبارت بود از انتظار بازگشت عیسی مسیح و تشکیل یک حکومت که بتواند ملکوت الهی را استوار سازد.

این مقاله تلاش دارد تا با مراجعه به متون اولیه و مقدس مسیحی این دو انتظار را تصویر کند. امید است مقدمه‌ای باشد برای مطالعات بیشتر پژوهشگران در این عرصه.

واژگان کلیدی:

انتظار مسیحی، عهد جدید، بازگشت عیسی، انتظار یهودی مسیحی.

هنگامی که به مطالعه موضوعی در مسیحیت می‌پردازید و یا حقیقتی را در زندگی یک مسیحی بررسی می‌کنید، تحقیق در این باره که این موضوع چه جایگاهی در کتاب مقدس دارد و یا به چه کیفیتی از آن سخن گفته شده، برای درک بهتر و کشف موقعیت و زوایای آن موضوع در کل تفکر مسیحی مفید خواهد بود. مسیحیت در این ویژگی خود در میان همه ادیان دیگر، بر محور شخصیت ممتاز بنیان‌گذار آن استوار است و تنها دینی به شمار می‌رود که براساس انتظار تاریخی یک ملت و آموزه مؤکد یک دین و اشتیاق دم‌افزون پیروان آن برای ظهور منجی شکل گرفته است. به همین دلیل، می‌توان حدس زد انتظار و موعودباوری تا چه میزان می‌تواند موضوعی باشد که کتاب مقدس به آن توجه کرده است. این نوشته، می‌کوشد تا چهره‌های انتظار و باور موعود را در عهد جدید به تصویر کشد که امید است مقدمه‌ای برای مطالعات بیشتر پژوهش‌گران در این عرصه باشد.

انتظار اول: یهودی - مسیحی

نخستین تصویر نمایان از انتظار در عهد جدید، تصویر به سر آمدن انتظار دیربای ملت یهود است که با معرفی عیسی به نام «ماشیح»^۱ و موعود بنی‌اسرائیل، به پایان رسید. مسیحیت در یک بستر کاملاً یهودی و براساس باورهای دینی یهودیان شکل گرفت و به همین دلیل نهضت عیسی را می‌توان نخله‌ای از یهودیت دانست.^۲ مسیحیان تا سالیانی پس از پایان زندگی زمینی عیسی، خود را یهودی می‌دانستند و تمام رسوم و آداب شریعت یهود را رعایت می‌کردند و همه روزه به معبد می‌رفتند و آیین موسوی را، مانند دیگر یهودیان به جا می‌آوردند. اگر کسی به دین ایشان درمی‌آمد و ختنه شده نبود، او را الزام می‌کردند که عمل ختان، نخستین و مهم‌ترین نماد پذیرش یهودیت را انجام دهد. اعتقاد آنان به ماشیح موعود بودن عیسی، چنان که در کتاب‌های انبیاء بنی‌اسرائیل به ظهور او بشارت داده شده،^۳ آنان را از دیگر یهودیان جدا می‌کند.

باور مسیحیان اولیه که خود را یهودی‌الاصل می‌دانستند،^۴ از تاریخ یهودیت سرچشمه می‌گرفت. عیسی و حواریون او نیز یهودی بودند. آنان داستان‌های کتاب مقدس در خصوص ابراهیم، اسحاق و یعقوب را کاملاً می‌دانستند و به آنها ایمان داشتند.^۵ آنان مطلع بودند که پیامبران بنی‌اسرائیل، به صورت دم‌افزونی با تأکیدات بسیار این تشنگی را در ملت یهود پدید آورده‌اند که فرزندی از نسل داوود، دوران طلایی و شکوه سلطنت پدرش را دوباره برای یهودیان به ارمغان خواهد آورد، به همین دلیل، وقتی عیسیا مسیح را یافتند از روستا زادگی‌اش چشم پوشیدند، و به او کسوت شهریاری دادند و همان موعود خواندند. به همین دلیل این انتظار کاملاً یهودی است که در شخصی به نام عیسی توسط جماعتی از یهودیان که بعدها پایه‌گذار مسیحیت شدند ساکن شد. آموزه موعودباوری در میان یهودیان فراز و فرودهای بسیاری داشته و مصادیق بسیاری به خود دیده، اما عیسی مصداق متمایزی بوده که با جذب بسیارش، گروه بسیاری را از طبقه پایین جامعه به سوی خود جذب کرده و با ماشیح بودنش، در ذهن همه ریشه دوانده و این ریشه‌ها چنان سترگ شده‌اند که آیین جدیدی سر بر آورده و عالم‌گیر شده است.^۶

در خصوص این تصویر از انتظار، در کتاب مقدس نکاتی بایسته گفتن است:

یکم. مسیحا دانستن عیسی، مطلبی نبود که یهودیان، صاحبان اصلی اندیشه موعودگرایی، به آسانی به آن تن بدهند و بپذیرند موعودی که اشعیای نبی در فضای یأس آلود آن روزگار آمدنش را به بنی‌اسرائیل بشارت داده اوست.^۷ به همین دلیل عیسی و شخصیت او برای همیشه نزد یهودی‌ها سوژه مانده است؛ یعنی این که او مرتد است یا ماشیح؟

کسوت شهریاری برای عیسی با آزارها و سختی‌هایی همراه بود که کاهنانی یهود در برابر این ادعا بر عیسی



کار می‌تواند ما را به نتایج آرمانی زیر نزدیک سازد:

- تقویت موعودباوری اسلامی (اندیشه مهدویت)؛

- بهره‌گیری از امکانات بالقوه این اندیشه در تخفیف

مشکلات جامعه بشری؛

- ایجاد و تقویت باور ضرورت تاریخی بازگشت بشر به خدا؛

(ب) آشکار ساختن وجوه امتیاز اندیشه مهدویت، به‌ویژه

دیدگاه شیعه دوازده امامی؛

(ج) فراهم آوردن زمینه هم‌گرایی ادیان و مذاهب بر

محور توحید، عدالت، معنویت و اندیشه نجات و منجی

موعود جهانی.

۲. هدف‌های عینی:

(الف) تعمیم و توسعه مباحث و مطالعات موعودی؛

(ب) تولید علم در عرصه مباحث موعودی (شامل

نظریه‌پردازی، تنقیح و تبیین دیدگاه‌ها)؛

(ج) تقویت اندیشه انتظار و باور به ضرورت نجات و

منجی موعود جهانی؛

(د) فراهم آوردن زمینه‌های علمی آموزش نیروهای

متخصص در مباحث مهدویت و موعودباوری؛

(ه) بالا بردن سطح دانش عمومی و تخصصی درباره

نگرش ادیان و مذاهب دیگر نسبت به آینده بشریت و

منجی موعود جهانی؛

(و) فراهم آوردن بخشی از دانش فنی و آگاهی‌های

لازم برای دفاع عالمانه از دیدگاه و مواضع شیعه در باب

موعود جهانی؛

(ز) فراهم آوردن امکان طرح اندیشه شیعی در باب

منجی موعود در سطح جهان، و خارج ساختن این اندیشه

از مضیق تعابیر و قالب‌های زبانی محلی و درون دینی؛

(ح) فراهم آوردن زمینه شرکت مؤثر و عالمانه

موعودپژوهان کشور در عرصه همایش‌ها و دیگر

فرصت‌های بین‌المللی؛

(ط) بالا بردن سطح آگاهی پژوهندگان، عالمان و

مجریان امور فرهنگی و دینی درباره امکانات جهانی

موعودباوری ادیان، برای بهره‌گیری در تقویت موضع

اسلام و تشیع.

برنامه‌ها

۱. کتاب‌های اطلاع‌رسانی، کمک درسی (قابل عرضه

و پیروانش روا داشتند.

تنها جرم عیسی هنگامی که در اورشلیم محاکمه می‌شد، ادعای او بود که می‌گفت

«پسر انسان»^۹ یعنی همان ماشیح است.^۹

یهودیان منکر، سخت بود که باور کنند انسانی روستایی‌زاد و فقیر که به زبان

ماهی‌گیران سخن می‌گوید و چون کشاورزان زندگی می‌کند و همواره با مثل سخن

می‌گوید و از هم‌صحبتی با مانند خود دریغ نمی‌ورزد، همان شاهزاده و شهربازی باشد

که اشعیا وعده کرده بود؛ کسی که مجد و عظمت سلطنت داوود را دوباره به یهودیان

باز خواهد گرداند. به همین دلیل، او را انکار و پیروان و خود او را به سختی آزار و اذیت

می‌کردند.

دوم، در برابر انکار یهودیان از تلاش چشم‌گیر پیروان عیسی هم نمی‌توان گذشت

که علی‌رغم تحمل سختی شکنجه‌های بسیار با جدیت تمام، تبلیغ می‌کردند که

مرشدشان همان موعود مورد نظر اشعیاست. این تلاش به اندازه‌ای بود که برخی

استدلال کرده‌اند: «اناجیل بدان دلیل نوشته شده‌اند تا ثابت کنند عیسی همان موعود

بنی‌اسرائیل است.»^{۱۰}

در ابتدای عهد جدید آمده است: «کتاب نسب‌نامه عیسی مسیح بن داوود»^{۱۱}.

تلاش متی برای آن که عیسی را پسر داوود خواند، از آن روی می‌نمود که پیش‌تر ارمیا

وعده آمدن شهربازی را از جنس بشر و نهالی را از خاندان داوود، داده بود.^{۱۲} داستان

تولد عیسی از زنی باکره^{۱۳} در باب هفتم، آیه چهاردهم از اشعیا آمده است که البته اشعیا

تصریح می‌کند این همه واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد.

متی، ورود عیسی را به اورشلیم این‌گونه به تصویر می‌کشد که او بر الاغی سوار بوده

که کره الاغش هم در پی می‌آمده است.^{۱۴} بیشتر منتقدان، این داستان را ساختگی و

البته فرعی و خارج از موضوع می‌دانند و استناد بدان را از آن روی می‌دانند تا عیسی را

بر الفاظ پیش‌گویانه زکریا^{۱۵} منطبق سازد.^{۱۶}

سوم، آیا عیسی به آن چه حواریونش درباره او ادعا می‌کردند، اعتقاد داشت؟ آیا او

نیز خود را ماشیح بنی‌اسرائیل می‌دانست؟

واقعیت آن است که عیسی آشکارا خود را مسیحا و موعود بنی‌اسرائیل نمی‌دانست.^{۱۷}

با این همه، آمده است که او گاه در جمع شاگردانش اعلام کرده که مسیح بنی‌اسرائیل

خود اوست. آورده‌اند هنگامی که عیسی به نواحی قیصریه فیلیس رفت، از شاگردان

خود پرسید: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخصی می‌گویند؟ گفتند: بعضی یحیی

تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یکی از انبیا، ایشان را گفت شما مرا که

می‌دانید؟ شمعون پطرس در جواب او گفت: تویی پسر خدای زنده. عیسی در جواب

وی گفت: خوشا به حال تو ای شمعون بن یونا، زیرا جسم و خون این را بر تو کشف

نکرده بلکه پدر من که در آسمان است.»^{۱۸}

پس از این ادعا «شاگردان خود را قدغن فرمود که به هیچ کس نگویند که او

مسیح است.»^{۱۹} اما آنان این نصیحت عیسی را گردن ننهاده و به تبلیغ مسیحا بودنش

پرداختند و در نهایت مورد آزار و اذیت هم‌کیشان خود قرار گرفتند.

عیسی در کنار این صداقت گاه خود را به القابی از اوصاف مسیحای بنی‌اسرائیل

خوانده بود که این می‌تواند دلیل مسیحا دانستن خودش باشد. از القابی که عیسی خود

را به آن خوانده است، می‌توان به لقب «پسر انسان»^{۲۰} اشاره کرد. از بحث‌انگیزترین مباحث الهیاتی عهد جدید «پسر انسان»، آشکارترین ادعای عیسی است که الیه‌دانان نتوانسته‌اند بر مفهوم آن اتفاق نمایند. این کلمه یکصد و هفت بار در عهد عتیق و بیشتر به معنای انسان به کار رفته است. این عبارت در حقیقت از کنایه‌های زبان عبری است و معمولاً مترادف با بشر یا انسان به کار می‌رود. مردم نیز به هنگام معرفی کردن، خود را پسر انسان می‌خوانند.^{۲۱} در حقیقت کاربرد این واژه، مانند کلمه «این‌جانب» و یا «بنده» در ادبیات فارسی است. این کلمه در پاره‌ای از متون مقدس عبری و سرودهای مذهبی به معنای مسیحا و موعود بنی‌اسرائیل دلالت دارد.^{۲۲} در کتاب دانیال این معنا به خوبی قابل درک است: «در رؤیای شب نگرستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمده و نزد قدیم‌الادیان (خداوند) رسید و او را به حضور وی آوردند. و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع اقوام، امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت کنند. سلطنت او جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد.»^{۲۳}

کلمه فرزند انسان ۸۳ بار در انجیل‌ها آورده شده است که ۶۹ بار آن در انجیل‌های همیدید (متی سی بار، مرقس چهارده بار و لوقا ۲۵ بار) و نیز ده بار در انجیل یوحنا است. این ۸۳ بار جز در مواردی اندک، در باقی موارد از قول خود عیسی نقل شده است.^{۲۴} معنای این واژه در عهد جدید و قدیم، همان «مدری» یا «انسانی» است، با این حال گروهی می‌پندارند که عیسی، از کاربرد این واژه، پیام‌های مشخص مذهبی را اراده می‌کرده است و مقصودش این همانی خود با چهره مسیح‌گونه‌ای است که در دانیال وعده داده شده بود.^{۲۵} او درباره خود می‌گوید:

«چنان‌که پسر انسان نیامد تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا کند.»^{۲۶}

چهارم. آیا عیسی با موعظه‌هایش، موافق این ادعا بود؟

یهودیان هنوز در انتظار آغاز عصر مسیحایی‌اند، چون ادعای مسیحیان، به موعود بودن عیسی را قبول ندارند. به باور یهودیان بسیاری از وعده‌های مسیحایی در عیسی تحقق نیافت. برای مثال آن‌چه اشعیا در توصیف زمان آمدن ماشیح می‌گوید: «گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله، شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند.»^{۲۷} با آمدن عیسی تحقق نیافتند. او را بر صلیب گذاشتند، بی‌آن‌که اتفاقی بیافتد. یهودی‌ها پس از مرگ وی به قدرت سیاسی نرسیدند و در کل او نتوانسته بود، انتظارات یهودیان از مسیحا را برآورده کند.^{۲۸}

به رغم تلاش حواریون در انطباق ویژگی‌های ماشیح بر عیسی، بسیاری از مشخصه‌های مسیح را نمی‌توان در عیسی یافت؛ ویژگی‌هایی که یهودیان با برشمردن آنها در سرودهایشان از پذیرش مسیحا بودن عیسی، سر باز می‌زنند. به گفته اشعیا ماشیح موعود بنی‌اسرائیل برای اقامه حکومتی می‌آید که در سایه آن مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد.^{۲۹} اما از حواریون عیسی هیچ طرح و ایده سیاسی یا الگویی برای تأسیس حکومت نقل نشده است و در مجموعه گفته‌هایش بسیار ساده و به زبان روستاییان و کشاورزان سخن می‌گوید. کلمات او سرشار از سلاست و عمیقاً قابل فهم است. او مهم‌ترین آموزه‌های خود را که بیشتر اخلاقی و تربیتی هستند، با زبان تمثیلی رای مردم که مخاطب او به شمار می‌روند، بیان می‌کند.

او هیچ ادعایی برای فرمان‌روایی ندارد و برای تشکیل حکومت تلاشی نمی‌کند، و بر این باور است که در نقش و مقام بنده بلاکش خدا باید تاوان گناهان آدمی گردد و با رنجی که می‌کشد، بار گناه را از دوش مؤمنان بردارد.^{۳۰} انجیل‌های چهارگانه نیز فرضیه نجات‌بخشی عیسی را بر پایه تشکیل حکومت یا تز سیاسی - اجتماعی بنا نکرده‌اند بلکه تنها نقش او را تحمل درد و رنج می‌دانند.

پاره‌ای از شاگردان او گرایش‌های سیاسی داشته‌اند و به نوعی ضد روحی بوده‌اند که بعدها به فدائیان معروف شده‌اند،^{۳۱} ولی او این مشی سیاسی را تأیید نمی‌کرد.



انتظار دوم: انتظار مسیحی

مراد از انتظار دوم، باور بازگشت دوباره عیسی مسیح به جهان تفسیر شده است. براساس این باور، عیسی همان ماشیح بنی اسرائیل و نوید دهنده رهایی انسان مدتی پس از بر صلیب شدن، دوباره به جهان باز می‌گردد تا ملکوت را که از آن سخن گفته، برقرار سازد.^{۳۲} برای پیروان او پذیرش بر صلیب کشیدن مرشدشان بسیار سخت بود. به همین دلیل، آنان در این زمینه موضع روشنی گرفتند که عیسی مسیح از میان مردگان برخاسته است. براساس این اعتقاد، عیسی پس از آن که بر صلیب و پس از آن که دفن شده، سه روز بعد از میان مردگان برخاسته و چهل روز بر روی زمین اقامت گزیده و سپس به آسمان‌ها صعود کرده است.^{۳۳} این اعتقاد، گذشته از آن‌چه پیرامون آن می‌توان گفت برای حواریان بسیار سرمست کننده و خوشایند بوده و توانسته ناامیدی را از آنها دور کند. از همین روی، این آموزه به کلیدی‌ترین آموزه مسیحیت بدل شد؛ آموزه‌ای که تمام ماهیت و معنای کلیسا بر آن استوار است.

کتاب مقدس بیش از سی‌صد بار به این موضوع پرداخته و چندین باب کامل را به تبیین این آموزه اختصاص داده است.^{۳۴} فراتر از آن، رساله‌هایی هم‌چون تسالونیکیان اول و دوم و مکاشفه یوحنا به بیان و توصیف این موضوع همت گماشته‌اند. با توجه به همین حقیقت، می‌توان رجعت مسیح را از مهم‌ترین تعالیم کتاب مقدس دانست.^{۳۵} بدون درک مفهوم رجعت مسیح آموزه‌ها و بسیاری از مفاهیم مطرح شده در کتاب مقدس، مانند کاهن، پادشاه بودن عیسی، نجات در آینده فهمیدنی نیستند و تنها زمانی معنادار می‌شوند که آموزه رجعت عیسی پذیرفته شود. با این آموزه تعلیمی چون تعمید و عشاء ربانی، پیوند عمیق برقرار ساخته‌اند.^{۳۶}

براساس این اعتقاد، عیسی خود بارها اعلام کرده است که شخص او^{۳۷} به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی^{۳۸} در جلال و هیبت پدر^{۳۹} و به همراه فرشتگان با پیروزی و فتح خواهد آمد.

پرداختن به اشارات کتاب مقدس به مسئله بازگشت عیسی مسیح کار دشواری است و ارائه آیاتی که به آن توجه کرده‌اند، فهرست بلندی خواهد ساخت. در این آیات گاه عیسی خود وعده بازگشت می‌دهد، مانند: «اما به شما می‌گویم که بعد از این از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود تازه آشامم.»^{۴۰} و گاه رسولان، امید و انتظار را در جامعه مسیحی زنده می‌کنند:

«ای حبیبان الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آن‌چه خواهیم بود، لکن می‌دانیم چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود.»^{۴۱}

در تیراژهای محدود یا گسترده، درسی و تخصصی؛

۲. مقالات تخصصی و نیمه تخصصی و غیر تخصصی (قابل عرضه در نشریات و اینترنت)؛

۳. تربیت و آموزش پژوهنده؛

۴. مسئله‌شناسی و موضوع‌شناسی در باب موعودباوری در ادیان؛

۵. برگزاری نشست، همایش، سلسله سخنرانی (درس - خطابه)؛

۶. برنامه‌های صوتی و تصویری؛

۷. تدوین برنامه و سرفصل آموزشی برای مقاطع و دوره‌های مختلف آموزشی (استفاده‌شدنی در آموزش حضوری و غیر حضوری)؛

۸. تدوین برنامه پژوهشی و تنظیم طرح‌واره‌ها و طرح‌های پژوهشی؛

۹. فراهم آوردن مطالب و مقالات درخور سایت اینترنتی.

موضوعات پژوهشی

۱. کلیات:

الف) رویکردهای پژوهشی به لحاظ ساختار:

- پدیدارشناسانه (کانتی یا وبری)؛

- نقادانه؛

- مدافعانه؛

ب) رویکردهای پژوهشی به لحاظ روش (تطبیقی یا تحصيل فردی)؛

ج) رویکردهای پژوهشی به لحاظ منبع (متنی و «Textual» یا جامعه‌شناسانه)؛

د) رویکردهای پژوهشی به لحاظ رویکردی (تاریخی یا الاهیاتی).

۲. چالش‌های پژوهش در موضوع

موعود ادیان:

الف) چالش‌های فکری (مشکلات اندیشه‌ای):

- پیش‌داوری؛

- تحصيل یا تأویل غیر صحیح؛

- اشتراک لفظی مفاهیم.

ب) چالش‌های عملیاتی (مشکلات در ضمن کار):

- کمبود منابع؛

- غرابت موضوع و تازگی آن؛

- زبان پژوهش.

مر اهل بازگشت عیسی

بازگشت مسیح به نظر دارای مفهوم روشنی است، ولی گاه تفاسیر درباره آن به چشم می‌خورد که به کلی غیر اهم‌اند.^{۴۲} در تفاسیر گاه سخن از آن است که او به آسمان باز خواهد گشت «تا خداوند را در هوا استقبال کنیم»،^{۴۳} و گاه از بازگشت او به زمین سخن رفته است: «همین عیسی که از سوی شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد.»^{۴۴} با مشاهده این تفاسیر و آیاتی که در تأیید هر کدام وجود دارد، می‌توان دریافت که آمدن دوباره مسیح دو مرحله دارد: مرحله نخست، بازگشت او به هوا یا آسمان، و مرحله دوم، رجعت ملکی و زمینی اوست.^{۴۵}

اهداف بازگشت مسیح

با مطالعه مجموعه کتاب مقدس می‌توان دریافت که در بازگشت مسیح اهدافی چند نهفته است که در زیر به پارهای از آنها اشاره می‌شود:

۱. پذیرش ایمان‌داران

یکی از اهداف آمدن دوباره عیسی جمع کردن ایمان‌داران به گرد خویش است. «باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهیم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز خواهید بود.»^{۴۶} اجتماع ایمان‌داران با مسیح از مفاهیم کلیدی و پراهمیت عهد جدید است که در رسایل پولس، دامنه بیشتری یافته است.

۲. دادرسی و پاداش شدن

از دیگر اهداف دوباره مسیح که اهمیت فراوانی دارد و در عهد جدید بسیار برجسته به آن پرداخته شده است، داوری در میان ایمان‌داران است و در نهایت پاداش شدن برای آنهاست. «و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند.»^{۴۷} و در آن وقت هر کس را موافق اعمالش جزا خواهد داد.^{۴۸} براساس شمار فراوانی از آیات کتاب مقدس، به ویژه رسایل پولس، شخص ایمان‌دار به واسطه ایمان آوردنش به مسیح، آمرزیده می‌شود و در مقابل گناهانش بازخواست نمی‌گردد. «آمین آمین به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید.»^{۴۹}

با این حال براساس آموزه‌های کتاب مقدس مسلم و بی‌تردید است که عیسی به هنگام بازگشت در مقام مسیحا در میان ایمان‌داران داوری خواهد کرد.

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع می‌شوند و آنان را از یکدیگر جدا می‌کند.»^{۵۰} براساس شمار فراوانی از آیات کتاب مقدس مراد از داوری عیسی درباره ایمان‌داران، یافتن گناه و نافرمانی آنان و تعیین عقوبت نیست بلکه شخص ایمان‌دار را براساس فرصت‌هایی که در اختیار داشته، داوری می‌کند.^{۵۱} و نیز داوری درباره استعدادهای ایمان‌دار است.^{۵۲} که البته پس از داوری، به او پاداش داده خواهد شد. «زیرا که پسر انسان خواهد آمد... و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.»^{۵۳}

۳. نجات بنی اسرائیل

چنان که گذشت، اندیشه موعود در مسیحیت در حقیقت تداوم باوری یهودی است؛ باوری که در گذر سالیان هم به لحاظ مفهوم و هم مصادیق نمود و ظهورهای متفاوتی داشته است؛ باور به این که آنان قوم برگزیده خدای اند و خدا به آنان وعده نجات داده است و آنان روزگاری نجات خواهند یافت، اندیشه ریشه‌داری بود. به همین دلیل، آنان باور دارند وقتی مسیح رجعت فرماید، نخست اسرائیل را از دشمنانشان رهایی خواهد داد.^{۵۴} و آن‌گاه تمام

۳. ادیان ابراهیمی:

الف) سیر تاریخی تکوین اندیشه مسیحا در ملت یهود:

- اندیشه مسیحا در عصر مشایخ؛

- اندیشه مسیحا در عهد موسی؛

- اندیشه مسیحا در عهد داوران؛

- اندیشه مسیحا در عهد پادشاهان؛

- اندیشه مسیحا در عهد کاهنان و پس

از اسارت بابلی؛

- اندیشه مسیحا در عهد پراکندگی و

تخریب دوم معبد (۷۰۱ میلادی).

ب) سیر تاریخی اندیشه موعود در عهد عتیق

- موعود در اسفار خمسه؛

- موعود در کتب انبیا؛

- موعود در سایر نوشته‌ها.

ج) موعود در تلمود:

- جایگاه سنت شفاهی در یهودیت؛

- ماشیح در تلمود؛

- پیشگویی‌های زمان ظهور؛

- تصویر آخرالزمان.

د) موعود و نهضت‌های اصلاحی یهود:

- صهیونیست‌ها؛

- صهیونیست‌های مسیحی.

ه) مؤلفه‌های الاهیاتی موعود یهودی:

- وعده و پیمان؛

- برگزیدگی؛

- خدا در ارتباط با بنی‌اسرائیل.

و) تصویر انتظار در عهد جدید:

- انتظار یهودی - مسیحی؛

- انتظار مسیحی.

ز) گونه‌شناسی موعود مسیحی:

- انسان یا غیرانسان؛

- متشخص یا غیرمتشخص؛

- شخصی یا جمعی؛

- کیهانی یا فراکیهانی.

ح) پیش‌فرض‌های موعود باوری مسیحی:

- گناه اولیه؛

- تجسد و فدا؛

- ایمان؛

اسرائیل را گرد خواهد آورد و خاندان اسرائیل و یهود را با هم متحد خواهد ساخت^{۵۵} و در نهایت آنان را نجات خواهد داد و عهدی جدید را با آنان استوار خواهد کرد.^{۵۶} همه این باورها بدون اندکی کاستی در نگاه مسیحیان، برای بازگشت دوباره مسیح ذکر شده است. آنان حتی مسیح را به هنگام بازگشت با هیئتی مانند داوود، با کلاه پادشاهی چنان که در نوشته‌های یهودیان به چشم می‌خورد، تصور کرده‌اند. آموزه‌های عهد جدید نیز یکی از اهداف آمدن دوباره مسیح را نجات موعود بنی‌اسرائیل می‌داند:

«و هم‌چنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنان که مکتوب است

که از صهیون نجات‌دهنده ظاهر خواهد شد.»^{۵۷}

ناگفته نماند که مسیح در هنگام نجات بنی‌اسرائیل همه آنان را نجات نمی‌دهد بلکه تنها کسانی را از موهبت خود به هنگام بازگشت بهره‌مند می‌فرماید که به او ایمان آورده باشند و گرنه چون بی‌ایمانان از دنیا خواهند رفت.

۴. داوری در میان همه امت‌ها

داوری مسیح در میان همه امت‌ها به هنگام بازگشت، از امور مهمی است که عهد جدید نقل می‌کند. البته این باور مانند باور پیشین تنها مسیحی نیست بلکه در آموزه‌های عهد عتیق خاستگاه دارد. در حقیقت، لباس داوری در عهد عتیق بر تن مسیحا می‌شود. براساس عهد جدید عیسی به هنگام بازگشت خود بر تخت پر جلالی خواهد نشست و در میان امت‌ها داوری خواهد کرد:

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائک مقدس خویش آید، آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند.»^{۵۸}

۵. آزاد ساختن و برکت دادن

براساس آموزه‌های عهد جدید آزادی خلقت از قید فساد مطلب دیگری است که به هنگام بازگشت عیسی به وجود خواهد آمد:

«... امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت.»^{۵۹}

در زمین تغییرات بسیاری روی خواهد داد و برکت خواهد یافت:

«و ایشان را و اطراف کوه را برکت خواهیم ساخت و باران را در موسمش خواهیم بارانید و بارش‌ها برکت خواهد بود.»^{۶۰}

براساس عهد جدید، آینده پر جلال بنی‌اسرائیل و رستگاری خلقت و برکت زمین و وعده‌هایی مانند:

«بیابان مثل گل سرخ خواهد شکفت و آب‌ها در بیابان و... در صحرا خواهد جوشید و مکان‌های خشک به چشمه‌های آب مبدل خواهد گشت.»^{۶۱}

که باب یازدهم اشعیا به آن اشاره دارد، هنگامی انجام خواهد شد که پسر انسان بر تخت پر جلال خود بنشیند.^{۶۲} پایبش (متوفای ۱۵۵ میلادی) در توصیف این برکت می‌گوید:

«روزهایی فرا خواهد رسید که تاک‌ها رشد خواهند کرد و هر کدام ده هزار

شاخه بزرگ‌تر خواهند داشت و دو شاخهٔ بزرگ ده‌هزار شاخهٔ کوچک و دو شاخهٔ کوچک ده‌هزار خوشه انگور و هر خوشهٔ انگور ده‌هزار انگور...»^{۶۳}

۶. برقراری ملکوت

برقراری «ملکوت خدا» از دیگر اموری است که به هنگام ظهور مسیح و بازگشت دوباره او محقق خواهد شد. اصطلاح «ملکوت خدا» واژه پر دامنه‌ای است که در حقیقت و براساس انجیل‌های همید (متی، لوقا، مرقس)، هسته مرکزی تعالیم و آموزه‌های عیسی را تشکیل می‌دهد.^{۶۴} ملکوت خدا در حقیقت، تحقق همان وعده خداوند به داوود است که فرمود: «سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت»^{۶۵} و بارها آن را با سوگند تأیید نمود.^{۶۶} حال این وعده و سوگند با آمدن مسیح محقق خواهد شد.

آموزهٔ بازگشت دوباره عیسی به جهان و برقراری حکومت یک‌پارچه بر روی زمین، نزدیک به دو هزار سال جماعت مسیحی را به انتظار فرو برده؛ انتظاری که گاه تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی‌ای در پی داشته است. آثار آن ظهور نهضت‌های سیانی‌زم (مسیحایی) را در پی داشته که عنصر اصلی و مشترکشان رسیدن به وضع مطلوب‌تر است.^{۶۷}

در ایالت متحده شور و هیجان انتظار مسیحیان در آستانه سال دوهزار میلادی ظهور فرقه‌های مذهبی بسیاری را در پی داشته است که همگی بر بازگشت دوباره عیسی و انتظار آمدنش تأکید داشتند. شماری از افراد افراطی در این فرقه‌ها برای پیوستن به عیسی مسیح خودکشی کردند. این انتظار به حدی قوت گرفته بود که در ایالت ماساچوست آمریکا، مرکزی با عنوان مطالعات هزاره‌ای شکل گرفت، این مرکز با نصب یک ساعت کسر شونده مدام مردم را به ساعت صفر؛ یعنی آغاز سال دو هزار میلادی و ظهور مسیح بشارت می‌داد.

ماهیت انتظار و موعود مسیحی

ماهیت انتظار، مهم‌ترین و برجسته‌ترین مفهوم موعود در مسیحیت است که به نکات مهمی درباره آن اشاره می‌شود:

۱. با توجه به آن چه درباره اهداف آمدن دوباره مسیح شمرده شد، مسیح‌باوری در چهره و معنای دوم، رو به آینده و آرمانی آینده‌ساز است که برخلاف موعود پیشین، تنها فرایند روحی و معنوی تأثیرگذار نیست. «داور جهانی» با تشکیل حکومت، برقراری ملکوت الهی یا همان وعده پادشاهی خدا به داوود، داوری در میان بنی‌اسرائیل و سایر امت‌ها و نیز پاداش دادن برای ایمان‌داران، کارکردی اجتماعی دارد. او با این کارکرد اجتماعی که البته تلاش شده تا سیاسی نگردد، می‌کوشد تا آینده روشنی را برای مسیحیان به ارمغان بیاورد.
۲. موعود، کارکردی اجتماعی دارد؛ تشکیل حکومت و برقراری حکومت، اما بعد معنوی آن نیز حالت توجه است. ظهور موعود و بازگشت عیسی برای افرادی مفید می‌افتد که پیش از آن به باوری ویژه و ایمانی خاص دست یافته‌اند و مسیحا بودن عیسی را پذیرفته‌اند و به او ایمان آورده‌اند تا بتوانند از ره‌آورد او به هنگام بازگشت بهره‌گیرند؛ ایمانی که گاه به زندگی کردن در مسیح^{۶۸} تعبیر شده است. از این جهت، می‌توان موعود مسیحی را کارکرد فردی قوی‌تر و برجسته‌تری دانست.
۳. این موعود برخلاف چهرهٔ نخست موعود عهد جدید، نه یک موعود ملی و نژادی بلکه کاملاً غیرقوم‌مدار، جهان شمول و فراملی است و به همین سبب او به داور تمام امت‌ها معرفی شده است، خواه بنی‌اسرائیل و خواه غیر آنها، تنها شرط برای نجات همان ایمان است که پیش‌تر از آن یاد شد. البته گاه از نجات بنی‌اسرائیل و یا داوری در میان آنان سخن به میان می‌آید، اما

- فیض.

ط) سیر تاریخی موعودباوری مسیحی؛

- موعود یهودی مسیحی؛

- موعود مسیحی.

ی) بازتاب اندیشه مسیحا در تاریخ مسیحیت

- در کلیسای نخستین؛

- در قرون وسطا؛

- در عصر روشن‌گری؛

- در دوران معاصر.

۴. ادیان شرقی:

الف) ادوار جهان و موعود واپسین دوره؛

ب) کلکی (calky) در متون مقدس هندوها؛

- مهابهاراته (mahabrata)؛

- پورانها (puranas).

ج) سیر تاریخی و تکون اندیشه هندوئیسم؛

د) تعریف موعود و بازشناسی موعود بودیزم؛

- در سنت مهایانه؛

- در سنت تراوره (هینه یا نه).

۵. جایگاه میتریه در آیین بودا:

- در متون و الهیات سنت مهایانه؛

- در متون و سنت الهیاتی هینه یا نه.

بایسته‌های پیر و هشی

۱. محورهای موعودباوری در ادیان و مذاهب:

الف) اندیشه منجی موعود در متون مقدس، اصلی و کلاسیک هر دین یا مذهب؛

ب) تحولات مفهوم و آموزه منجی موعود در هر دین یا مذهب؛

ج) بازتاب تاریخی آموزه منجی موعود؛

- جریان‌های موعودباور و موعودمحور؛

- آثار موعودمحور؛

- مذاهب و فرقه‌های موعودمحور؛

- وقایع موعودمحور.

د) بازتاب آیینی و مناسکی اندیشه منجی موعود در هر دین یا مذهب؛

ه) موعود باوری در عصر حاضر؛

این دلیل پذیرفته شده‌ای بر انحصار نجات به بنی اسرائیل نیست؛ این جملات را باید به حساب تأثیر عهد عتیق و تلاش مسیحیان برای تطبیق عیسی بر پیشگویی‌های عهد عتیق دانست.

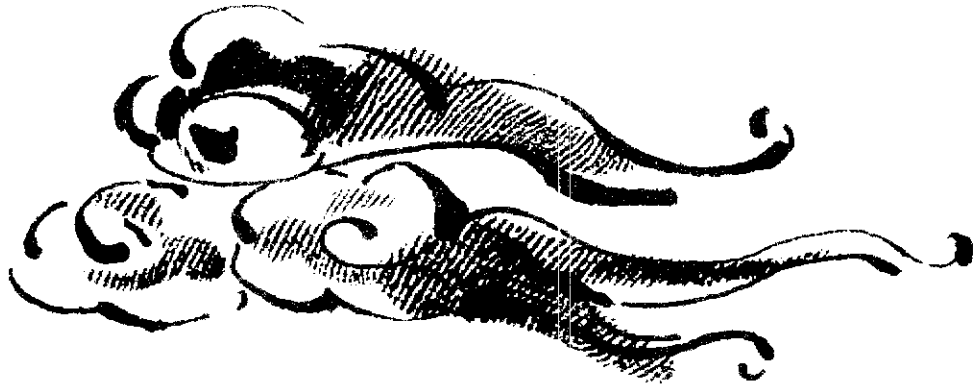
۴. در مجموعه عهد جدید، هیچ‌گونه کارکرد فراکیهانی برای عیسی به هنگام بازگشت ترسیم نشده است؛ به این معنا که او با انجام اعمال فرا عادت، هستی را به رهبری خویش درآورد و تصرفاتی را در عالم کیهانی پدید آورد. کارکرد مسیح در عهد جدید رفتاری است که در چهار چوب قوانین و قواعد هستی جریان دارد. تنها رستاخیز و بازگشت او رفتاری خارج از قوانین طبیعت در دستور کار او محسوب می‌شود.

۵. برخلاف تصویری که از موعود و منجی در باره‌ای از ادیان و یا مکاتب وجود دارد، نجات‌بخشی موعود مسیحی هرگز در محدوده زمان منحصر نمی‌شود و به عصر یا دوره‌ای خاص اختصاص نمی‌یابد. در این چهره از موعودگرایی کتاب مقدس، نجات موعود، مقوله‌ای سیال و همیشگی که تنها کافی است آدمی به موعود (مسیح) ایمان بیاورد تا نجات یابد. نجات در گرو زمان خاص یا جغرافیای ویژه‌ای قرار نمی‌گیرد و آدمی هرگاه به این ایمان دست یابد، به رستگاری رسیده است. این ویژگی را می‌توان شاخصه اصلی موعودگرایی مسیحی دانست که در چهره نخست از موعود مسیحی نیز، چنین امتیازی وجود داشته است.

۶. زمان بازگشت مخفی است؛ نامشخص بودن زمان بازگشت عیسی و عدم تعیین آن، سبب می‌شود تا چراغ امید برای همیشه فروزان بماند. او خود بارها بر این نکته تأکید می‌کند که: «اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ساکنان آسمان جز پدر من و بس»^{۶۹} و به همین دلیل به آنها یادآور می‌شود همیشه امیدوار و آماده باشند «پس بیدار باشید زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید»^{۷۰}

۷. بازگشت دوباره مسیح برخلاف ظهور نخستین او، عیان و آشکار است^{۷۱} و از آنجا که بازگشت دوباره او برای مجد و سیادت کلیسا تصویر و تفسیر شده، باید در بازگشتی آشکار این مهم را عملی سازد. به همین دلیل، گفته شده است:

«مؤمنان صدای آمدنش را خواهند شنید و هر کس و هر چیز دیگر را ترک خواهند کرد.»^{۷۲} او بازگشت دوباره‌اش را این چنین توصیف می‌کند: «هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.»^{۷۳}



پیشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی

مطالعات علوم انسانی

پی نوشت ها:

۱. mashiah.
۲. برایان ویلسون، دین مسیح، ترجمه حسن افشار، ص ۳۱.
۳. نسک- جان آل بی نلس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۶۱۱.
۴. نک: هاروی کانکس، مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، ص ۴۷.
۵. مدی جو ویور، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، ص ۷۷.
۶. جولینوس کریستون، النظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسن توفیقی، ص ۵۲.
۷. اشعیا ایوب ۱۱ - ۷.
۸. sun of god.
۹. بوخا ۱۸: ۳۵ - ۳۳.
۱۰. کمان الصلیبی، البحت عن البسوخ، ص ۴۹.
۱۱. ص ۱: ۱.
۱۲. ازیمیا ۳۳: ۲۵.
۱۳. ص ۱: ۱۸.
۱۴. ص ۲۱: ۱۷.
۱۵. زکریا ۹: ۹.
۱۶. ارجیبالد رابرتسون، عیسی استظوره یا تاریخ، ترجمه حسن توفیقی، ص ۸۸.
۱۷. جولینوس کریستون، همان، ص ۵۱.
۱۸. ص ۱۶: ۱۸ - ۱۳.
۱۹. ص ۱۶: ۲۰.
۲۰. sun of man.
۲۱. Encyclopedia of jodaica the son of man, v.۷۵, p.۱۲۹.
۲۲. E. jodica, ibid همفزی کارینتر ونیر، همان، ص ۱۰۲.
۲۳. دنیا ۷: ۱۲ - ۱۳.
۲۴. Bromiley, Geoffru w. l. bid, v.۴, p.۵۷۶.
۲۵. همفزی کارینتر، همان، ص ۸۰۲.
۲۶. ص ۲۰: ۲۸.
۲۷. اشعیا ۸: ۱۱ - ۶.
۲۸. بری جو ویور، همان، ص ۷۸.
۲۹. اشعیا ۱۱: ۴.
۳۰. the interpreters Bible, v.۹, p.۴۲۸.
۳۱. همفزی کارینتر، همان، ص ۱۰۲.
۳۲. برایان ویلسون، همان، ص ۳۸؛ و نیز: I. cheyne, t. k. Encycloedia biblica, v.۳, p.۳۰۵۸.
۳۳. اعمال رسولان ۱: ۱۲ - ۱۰.
۳۴. ص ۲۵ و ۲۴: مرقس ۱۳: ۱۳؛ لوقا ۲۱.
۳۵. هری تیسین، الاهیات مسیحی، ترجمه سکاگلمان، ص ۳۲۷.
۳۶. تیسین، همان، ص ۳۲۸.



- در اندیشه سیاسی؛

- در اندیشه دینی و معنوی (به لحاظ کلامی) در عقاید دینی یا مذهبی) و به لحاظ معنوی (در معنویت و دین‌ورزی)).

(و منابع مطالعه درباره موعودباوری در هر دین یا مذهب:

- سخن‌شناسی منابع (دسته‌بندی انواع منابع):

- کتاب‌شناسی انتقادی.

ز) ماهیت‌شناسی آموزه منجی موعود در هر دین یا مذهب (مثلاً پیش‌گویانه بودن، یا فلسفه تاریخی بودن)؛
ح) گونه‌شناسی موعود منجی در هر دین یا مذهب (مثلاً متشخص یا نامتشخص، شخصی یا غیرشخصی، متعین یا نامتعین، الهی یا بشری بودن، به لحاظ کارکرد و رسالت و...).

۲. مباحث و موضوعات بین‌الادیانی و

بین‌فرقه‌ای (به گونه کلی):

الف) مطالعات کلامی (مدافعاتی و ارزش‌داورانه)؛

ب) مطالعات تطبیقی؛

ج) روش‌شناسی مطالعات و پژوهش‌های موعودی؛

د) آسیب‌شناسی مطالعات و پژوهش‌های موعودی.

۳. مباحث و موضوعات بین‌رشته‌ای:

الف) موعودباوری و فلسفه تاریخ؛

ب) موعودباوری و جهانی شدن؛

ج) موعودباوری و معنای زندگی؛

د) موعودباوری و آرامش روانی؛

هـ) موعودباوری و فلسفه سیاسی؛

و) موعودباوری و مناسبات تمدن‌ها و ادیان؛

ز) موعودباوری و معنویت؛

ح) موعودباوری و عرفان؛

ط) موعودباوری و صلح جهانی؛

ی) موعودباوری و تربیت دینی؛

ک) موعودباوری و محیط زیست؛

ل) موعودباوری و عدالت اجتماعی؛

م) موعودباوری و حقوق بشر.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عنوان مذاهب اسلامی در این‌جا بیان‌گر روی‌کرد دین‌شناختی در این گروه است. به این ترتیب مطالعات گروه در حوزه اسلام معطوف به ویژگی‌های دین‌شناختی مذاهب اسلامی خواهد بود، و از ورود به مباحث کلامی و تاریخی در این موضوع دوری می‌شود.

۲۷. نک: یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۲۲: ۲۲-۲۳.
 ۲۸. نک: متی ۲۴: ۵۱-۵۲، ۲۵: ۱۲-۱۳، مرقس ۱۳: ۲۳-۲۷.
 ۲۹. نک: متی ۱۶: ۲۷، ۱۹: ۲۸، ۲۵: ۱۳.
 ۴۰. متی ۲۹: ۲۹.
 ۴۱. رساله اول یوحنا ۳: ۲-۳.
 ۴۲. هنری تیسین، همان، ص ۳۳۱.
 ۴۳. رساله تسالونکائیان اول ۴: ۱۷-۱۶.
 ۴۴. اعمال رسولان ۱۱: ۱.
 ۴۵. هنری تیسین، همان، ص ۳۲۸.
 ۴۶. یوحنا ۱۴: ۳.
 ۴۷. یوحنا ۵: ۲۶.
 ۴۸. متی ۱۶: ۲۷.
 ۴۹. یوحنا ۵: ۲۳.
 ۵۰. نک: متی ۲۵: ۳۲-۳۱.
 ۵۱. متی ۲۰: ۱-۱۶.
 ۵۲. نک: متی ۲۵۶: ۳۰-۱۴.
 ۵۳. متی ۲۷: ۱۶.
 ۵۴. براساس آنچه در ارمیا ۷: ۳۰ و حزقیال ۱۴: ۱۳ آمده است.
 ۵۵. براساس آنچه در اشعیا ۱۱: ۱۴، ۶۲: ۴، ارمیا ۳۱: ۲۲-۲۳ آمده است.
 ۵۶. براساس آنچه در اشعیا ۸: ۶۶، ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ آمده است.
 ۵۷. رساله به رومیان ۸: ۲۶.
 ۵۸. متی ۲۵: ۳۱-۳۱.
 ۵۹. متی ۲۵: ۳۱-۳۱.
 ۶۰. حزقیال ۴۴: ۲۶-۲۵.
 ۶۱. اشعیا ۳۵: ۱۰-۱۰.
 ۶۲. هنری تیسین، همان، ص ۳۴۳.
 ۶۳. هنری تیسین، همان، ص ۳۴۹.
 ۶۴. Dictionary of the Bible, kingdom of God, P. ۲۱۶.
 ۶۵. کتاب دوم سموئیل ۷: ۱۶-۸.
 ۶۶. مزامیر ۸۹: ۳.
 ۶۷. Encyclopedia of millennialism, p۲۴۵.
 ۶۸. نک: این تعبیر در رسالای یونس به ویژه رساله او به رومیان فراوان به کار رفته است.
 ۶۹. متی ۲۴: ۲۴.
 ۷۰. متی ۲۵: ۲۶.
 ۷۱. المجدنی الثانی للمسیح، ص ۱۱۹.
 ۷۲. همان، ص ۱۲۰.
 ۷۳. متی ۲۴: ۲۷.

